

اعتراف جدید پنتاگون: ۳۴ نظامی

آمریکایی دچار صدمات مغزی شده‌اند

کیهان: سخنگوی وزارت دفاع آمریکا در یک نشست خبری تأیید کرد که تاکنون ۳۴ نفر از نظامیان آمریکایی که طی حمله موشکی ایران به پایگاه نظامی عین‌الاسد در عراق دچار صدمات مغزی شده‌اند، تحت درمان قرار گرفته و بعضاً به خارج از عراق منتقل شده‌اند. این مقام آمریکایی درخصوص آخرین آمار مجروحان حمله موشکی ایران به عین‌الاسد گفت: «تاکنون بروز صدمات مغزی خفیف یا شدید در ۳۴ نفر از سربازان تشخیص داده شده است. ۸ نفر از آنها به آلمان اعزام شده و امروز نیز برای ادامه درمان وارد آمریکا شده‌اند؛ ۹ نفر به آلمان اعزام شده و هنوز در آنجا تحت ارزیابی یا درمان هستند؛ یک نفر به کویت اعزام شده که اکنون به عراق بازگشته است و ۱۶ نفر از آنها نیز در همان عراق باقی ماندند و اکنون به محل خدمت خود بازگشته‌اند.» پنتاگون پس از چند روز پنهان‌کاری درباره آمار تلفات حمله موشکی ایران به پایگاه عین‌الاسد، به‌تازگی اعلام کرده بود که ۱۱ نفر از نیروهای آمریکایی بر اثر این حمله موشکی دچار ضربه مغزی خفیف (concussion) شده‌اند و حتی دونالد ترامپ این آسیب‌دیدگی‌ها را تا حد «سردرد» تقلیل داده بود. اما اینک پنتاگون نه‌تنها آمار مجروحان را افزایش داده، بلکه پذیرفته است که ضربه مغزی وارد شده به برخی نیروهای آمریکایی، خفیف نبوده است. در پی این موشکی سپاه پاسداران رئیس‌جمهور آمریکا مدعی شد که هیچ‌یک از نظامیان این کشور در پایگاه عین‌الاسد آسیب ندیده‌اند و صرفاً خسارات جزئی به تجهیزات وارد شده است؛ ادعایی که در روزهای بعد پوچ بودن آن با افشاگری رسانه‌ها مشخص شد و مقامات آمریکایی مجبور شدند به‌صورت قطره‌چکانی آمار تلفات پایگاه عین‌الاسد را اعلام کنند.



سال چهارم شماره ۲۷۰ شنبه ۵ بهمن ۱۳۹۸

www.hadinews.ir

کانال معیار در سروش @meyar.pb



باید قوی شویم

ملت ایران باید قوی شود. این امر برای من است. اگر یک کشی به خود نیاز دارد، خود را قوی کند. در جهان، هر کشور باید قوی باشد. اگر یک کشور قوی نباشد، به خود نیاز دارد. اگر یک کشور قوی نباشد، به خود نیاز دارد. اگر یک کشور قوی نباشد، به خود نیاز دارد.

پیش‌نیازهای ایران قوی

جوان: مهم‌ترین ارکان و شاخص‌های رسیدن به ایران قوی را اینگونه برشمرد:

- ۱- «اقتصاد- سلاح»: اقتصاد مولد و کارآمد به همراه سلاح بازدارنده و تفوق‌یاب از مهم‌ترین ارکان قدرت هستند. قدرت بازدارندگی و عدم وابستگی اقتصادی، پیش‌نیازهای استقلال سیاسی، قدرت ملی و تنظیم دشمنان است که اگر هر دو باهم نباشند، نتیجه تمام‌کننده نخواهد داشت. ۲- ایمان به تحقق وعده‌های الهی و مجهز بودن به این سلاح - که تاکنون ما را به نقطه فعلی رسانده است - از عناصر بومی قدرت ملت ایران است. عنصر معنویت، جهاد، شهادت، عبور از منافع فردی و فدا شدن برای ملت و جامعه و ایران و در یک کلمه پیشقراولانی از جنس آیت‌الله خامنه‌ای و شهید سلیمانی می‌تواند این بعد قدرت را تقویت نماید. دولت ارزش‌گرا در تحقق و گسترش این قدرت می‌تواند بسیار مؤثر باشد. ۳- پیوستگی با امت اسلامی از دیگر ارکان قدرت ملت ایران است. ایران جزیره نیست. ایران امروز بخشی از ملت اسلامی است که دغدغه پاک کردن آلودگی‌های جهان اسلام از سلطه استعمار غرب و صهیونیسم را دارد. دست ایران باید همیشه در دست امت اسلامی باشد تا «جغرافیای قدرت» در شعاع و افق وسیع‌تر و بلندتری درک شود. حضرت امام بر تولید چنین قدرتی تأکید داشتند و آن را «آزادسازی انرژی متراکم جهان اسلام» می‌دانستند.
- ۴- وحدت ملی و رضایت نسبی: وحدت ملی در عین رضایت نسبی از کارآمدی ارکان مختلف حاکمیت در این باره مهم است. استحکام درونی جمهوری اسلامی در این گزاره متمرکز است. توجه ویژه به طبقات پایین اقتصادی و حرکت به سمت اقتصاد مولد شرط رضایت عمومی است. قوی شدن و ایستادن مقابل زر و زور و تزویر در جهان بدون این ملت هرگز امکانپذیر نیست و این واقعیت بارها از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی و امام راحل تأکید شده است؛ ۵- صدرنشینی نخبگان: قدرت بومی و ملی منهای میدان‌داری نخبگان بی‌معنا است. اقتصاد مولد، تکنولوژی برتر اقتصادی و نظامی از علم به دست می‌آید و صدرنشینی نخبگان شرط رسیدن به این مهم است. تأمین شخصیت و زندگی نخبگان کاهش بروکراسی آزمون و خطا شرط این مهم است که به صورت طبیعی از خروج نخبگان هم جلوگیری می‌کند. شناسایی، هویت‌بخشی و تکریم نخبگان جامعه پیش‌نیاز قوی شدن است. برای این مهم اقداماتی صورت گرفته است، اما به رضایت عمومی نخبگان و مؤثرتر شدن خروجی آنان منجر نشده است. شرط اساسی برای رسیدن به همه این عناصر تبدیل شدن «ایران قوی» به «گفتمان غالب» است. استعداد چنین گفتمانی در شخصیت تاریخی ایرانیان موج می‌زند، اما نیازمند اعتقاد، برنامه‌ریزی و تلاش مضاعف است.

دو سردار، دو ملت و یک هدف

رسالت: حضور میلیونی ملت عراق در تظاهرات ضد اشغالگری اخیر، مولد دغدغه های بی سابقه ای برای مقامات کاخ سفید بوده است. بدون شک میان حماسه حضور مردمی در تشییع پیکر پاک شهید سپهبد سلیمانی و خلق حماسه ای که دیروز در بغداد شاهد آن بودیم، ارتباط مستقیمی وجود دارد: هر دوی این موارد، منبعث از «گفتمان مقاومت» و در عین حال مولد «خیزش ضد آمریکایی» در منطقه غرب آسیا هستند. بدون شک تظاهرات دیروز در عراق، حکم یک «نقطه گذار» را در معادلات داخلی و منطقه ای این کشور و منطقه را خواهد داشت. جهت تمرکز دقیق بر مختصات این نقطه گذار و ترسیم ابعاد آن، لازم است موارد زیر را مورد توجه قرار دهیم: «هزینه و فایده» روشی نظام مند برای تخمین زدن نقاط قوت و ضعف آلترناتیوهای است که کنش ها و معاملات یک فرد یا ساختار به دنبال دارد. دونالد ترامپ رئیس جمهور ایالات متحده و مایک پمپئو وزیر امور خارجه وی، هر دو در روز نخست شهادت سردار سپهبد قاسم سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس مدعی شدند که دستور ترور این دو سردار رشید اسلام را بر اساس یک «هزینه - فایده» واقع بینانه صادر کرده و درخصوص مدیریت تبعات این موضوع، توانا و مسلط هستند! با این حال طی روزهای اخیر، مقامات آمریکایی دیگر تمایلی ندارند نسبت به «هزینه» و «فایده» این ماجرا سخنی به میان آورند.

تماس تلفنی بی حاصل مایک پمپئو با ۲۷ وزیر امور خارجه دنیا: (به صورت رسمی و غیر رسمی) در طی ۴۸ ساعت نخست شهادت شهید سلیمانی و شهید المهندس، نشان از واقعیتی دارد که ترامپ و اعضای ارشد دولت وی قدرت تحریف یا فرار از آن را نخواهند داشت! در این خصوص شواهد و مستندات وجود دارد که لازم است مورد توجه قرار گیرد: * بر خلاف محاسبه اولیه کاخ سفید، وزرای امور خارجه روسیه، چین و حتی فرانسه (به عنوان یکی از شرکای آمریکا) حاضر به پذیرش استدلال آمریکا مبنی بر توجیه ترور سردار سلیمانی در قالب «حمله پیش دستانه» نشده اند.

* بر خلاف محاسبه اولیه کاخ سفید، عراق به جای آنکه به جولانگاه معدود عناصر خود فروخته و خرسند از ماجرای شهادت سردار دلها تبدیل شود، به بستری برای ابراز خشم مقدس و گسترده ملت عراق نسبت به جنایت آمریکا تبدیل شد. بهتر است پمپئو تنها فیلم رقص چند ده عراقی (که در توییتر خود قرار داده بود) را در کنار هزاران فیلم مربوط به تشییع با شکوه سردار سلیمانی در کاظمین، بغداد و نجف و کربلا و متعاقبا تظاهرات میلیونی و بی سابقه دیروز بگذارد تا متوجه خود زنی وحشتناک و جبران ناپذیر خود و مقامات آمریکایی در قبال شهادت سردار سلیمانی و شهید ابو مهدی المهندس بشود. * برخلاف تصور و محاسبه اولیه کاخ سفید، نه تنها خون پاک دو سردار شهید منجر به تقویت جایگاه حامیان آمریکا در منطقه نشد، بلکه به صورتی اعجاب انگیز، به عاملی کلیدی جهت «مطالبه خروج فوری آمریکا از منطقه» تبدیل شد. هر ساعتی که سپری می شود، مقامات آمریکایی متوجه می شوند که با یک «معادله یک طرفه» رو به رو هستند! معادله ای که در آن خبری از «فایده» برای آنها نیست. آنچه در این برهه و البته در آینده اصالت و موضوعیت دارد، تنها و تنها «هزینه» است. هزینه ای که نه تنها کاخ سفید و پنتاگون، بلکه متحدان و مهره های بین المللی و منطقه ای ایالات متحده نیز قدرت پرداخت آن را نخواهند داشت. در هر حال دیگر فرصتی برای هزینه و فایده یا جبران حماقت و جنایت مستاجر فعلی کاخ سفید باقی نمانده است! توفانی که ترامپ آثار و پیش درآمدهای آن را به تازگی و طی روزهای اخیر درک کرده است، با سرعتی فوق العاده به سوی کاخ سفید در حرکت است. بدون شک، این بار کسی نمی تواند جلوی توفان را بگیرد: نه سفیر سوئیس در تهران و نه واسطه گران عربی و اروپایی مورد حمایت آمریکا! به پمپئو باید حق داد که پس از مشاهده توفان حمایت از مقاومت در ایران و عراق، این وزیر قاتل و مستاصل آمریکایی در کسوت یک روانپزشک گوشه تلفن را برداشته و دیپلماسی التماسی برای جلوگیری از تبلور خشم ایران را در دستور کار خود قرار دهد. در این میان، دیگر خشم و لبخند مقامات آمریکایی محلی از اعراب ندارد. ملت های ایران و عراق چشمان خود را بر روی کاخ سفید بسته و تنها منتظر لحظه خروج یا اخراج آمریکا از منطقه هستند. انتقام مقدس و سختی که محاسبه و حتی تصور آن، از عهده اتاق های فکر و مؤسسات تحقیقاتی وابسته به کاخ سفید خارج شده است. بهتر است ترامپ و همراهانش یک حقیقت را بدانند: دو فرمانده شهید، یعنی شهید سلیمانی و شهید المهندس دوباره دستور حمله صادر کرده اند. پدافندهای مهم تر را دریابیم.

حرف روز / آغاز دومینوی بزرگ

بصیرت: در حرف روز ۱۴ دی ماه همین نشریه- یعنی یک روز پس از شهادت سردار سلیمانی- نوشته شد، عملیات بزدلانه آمریکایی‌ها در فرودگاه بغداد که منجر به شهادت سیدالشهداء جبهه مقاومت شد، مقطعی تاریخ‌ساز است و تاریخ تحولات منطقه غرب آسیا را به دو بخش پیش از شهادت حاج‌قاسم سلیمانی و پس از شهادت ایشان تقسیم خواهد کرد. حال به روشنی می‌توان با مرور برخی رویدادهای کم‌نظیر هفته‌های گذشته به این واقعیت اذعان کرد. برای نمونه حمله موشکی سپاه به پایگاه عین‌الاسد (پادگان تروریست‌های آمریکایی) که بعد از جنگ جهانی دوم تاکنون سابقه نداشته، از جمله اتفاقات مهم این دوران به شمار می‌رود. همچنین تظاهرات میلیونی روز گذشته مردم عراق که با انگیزه پایان دادن به حضور آمریکا در کشورشان برپا شد، از رویدادهای مهم این دوران ارزیابی می‌شود. برخی رخداد دیروز عراق را به انقلاب دوم این کشور تعبیر کردند؛ انقلاب نخست مردم عراق به قیام سال ۱۹۲۰ این کشور و در مخالفت با اشغالگری و استعمارگری انگلیس اشاره دارد. بی‌تردید همه این تحولات حساس و تعیین‌کننده و رخدادهای بعد از این، از ثمرات خون شهید سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس است. شهادت مظلومانه حاج‌قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس به شکل یک عامل پیشران و تعیین‌کننده موضوع خروج آمریکا از منطقه را مطرح کرد. در واقع، قرار بود واشنگتن پس از داعش با ترور سران مقاومت در منطقه و عراق راه خود را برای حضور و نفوذ در این کشور هموار کند و به تصور خود موانع را از سر راه خود بردارد؛ اما اتفاقی کاملاً متفاوت رخ داد و همین عملیات تروریستی جرقه اخراج نیروهای آمریکایی را رقم زد. مقامات واشنگتن تصور می‌کردند با ضربه به رأس و مغز متفکر مقاومت می‌توانند موجب منفعل شدن یا از کار افتادن محور مقاومت در منطقه شوند؛ اما دقیقاً برخلاف تصور آنها تحولات به وقوع پیوست؛ چرا که ترور شهید سلیمانی سبب بیدارتر شدن ملت‌ها نسبت به اهداف آمریکا شده و زمینه را برای فعالیت بیشتر مقاومت علیه آنها در منطقه فراهم کرده و زمینه خروج نیروهای نظامی از کل منطقه را آماده کرده است. رویداد بزرگ دیروز عراق را می‌توان آغاز دومینوی تغییرات بزرگی دانست که منطقه پس از شهادت سردار سلیمانی به خود خواهد دید؛ به نظر می‌رسد خروج آمریکایی‌ها از منطقه محور اساسی و بنیادین معادلات و تحولات اخیر در منطقه غرب آسیا باشد.

آموزش تحلیل سیاسی / جهادی که از پیکار نظامی بالاتر است

اهمیت جهاد درونی و جهاد با نفس به حدیث معروفی از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بازمیگردد، «پیامبر عظیم‌الشان اسلام که معلّم بشر از اولین و آخرین بود و ملائکه از حکمت او استفاده می‌کردند و دل مبارک او برترین جایگاه وحی الهی بود، به جوانان زمان خود که از جنگ برگشته بودند، فرمود: مَرَحَبَا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَ بَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ؛ جهاد کوچک‌تر را گذرانید، حال نوبت جهاد بزرگ‌تر است.» «عجب! یا رسول‌الله! جهاد بزرگ‌تر چیست؟ ما این جهاد با این عظمت و با این زحمت را انجام دادیم؛ مگر بزرگ‌تر از این هم جهادی وجود دارد؟ فرمود بله، جهاد با نفس خودتان.»